

غزل شماره ۱۹۷

شاهدان گر دلبری زین سان کنند

زاهدان را رخند در ایمان کنند

هر کجا آن شاخِ نرگس بشکُفد

گلرُخانش دیده نرگس دان کنند

ای جوانِ سرود، کوی بی بر

پیش از آن کز قامت چو گان کنند

عاشقان را بر سر خود حکم نیست

هر چه فرمان تو باشد آن کنند

پیش چشم کمتر است از قطره‌ای

این بحایت ما که از طوفان کنند

یار ما چون گیرد آغازِ سماع

قدسیان بر عرش دست افشان کنند

مردم چشمم به خون آغشته شد

در کجا این ظلم بر انسان کنند؟

خوش بر آباغصه ای دل کاهلِ راز

عیشِ خوش در بوته بجران کنند

سرکش حافظ ز آه نیم شب

تا چو صحبت، آینه رختان کنند

تفسیر فال

غافل از حال خویش شده‌ای، در حالی که تو جوانی پرشور و سرزنده هستی. این شور و نشاط تو نه تنها باید موجب پیشرفت و موفقیت خودت شود، بلکه دیگران نیز از آن بهره‌مند می‌شوند و برای رسیدن به اهدافشان به توانایی‌های تو اتکا می‌کنند. متأسفانه، در این میان ممکن است خودت را فراموش کرده باشی و از قافله موفقیت عقب مانده باشی. افرادی که اکنون در موقعیت‌های بالاتر قرار دارند، به مراتب از تو پایین‌تر هستند؛ اما عدم

توجه به پتانسیل‌های خودت ممکن است مانع پیشرفت تو شود. سعی کن با شجاعت و عزم راسخ قدم برداری تا عقب‌نمانی و بتوانی از فرصت‌های پیش رو استفاده کنی. ظلم‌هایی که بر تو روا داشته شده‌اند، قطعاً رنجی عمیق در دلت ایجاد کرده‌اند؛ اما باید به یاد داشته باشی که خداوند همیشه پاسخگوی ظلم‌ها خواهد بود و حق مظلومان را بازخواهد گرداند. بنابراین، با ایمان به توانایی‌هایت و امید به آینده‌ای روشن‌تر، تلاش کن تا گام‌هایی مؤثر در راستای موفقیت برداری.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)